

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۱۰ جون ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۱۱

ترجمه و تفسیر سوره الغاشیه- ۱

سورة الغاشیه در «مکه» نازل شده و ۲۶ آیت دارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲) عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳) تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً (۴) تُسْقَى مِنْ
عَيْنٍ آتِيَةٍ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ (۶) لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ
نَاعِمَةٌ (۸) لِسْعِيَّهَا رَاضِيَةٌ (۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰) لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا
سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (۱۳) وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴) وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵) وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶) أَفَلَا
يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ
نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰) فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱) لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲) إِلَّا
مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳) فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴) إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابُهُمْ (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

معلومات موجز:

نام این سوره «الغاشیه» (پوشاننده) است که اسم از آیت اول این سوره گرفته شده است که در مراحل ابتدائی مکه مکرمه نازل شده است.

سوره «الغاشیه» مکی بوده و دارای (۱) رکوع، (۲۶) بیست و شش آیت، (۹۲) نود و دو کلمه، (۳۸۴) سه صد و هشتاد و چهار حرف و (۲۱۶) دو صد و شانزده نقطه است.

محتوای سوره :

«الغاشیه» طوری که در فوق یاد آور شدیم، به معنی پوشاندن است و انتخاب این نام «غاشیه» برای قیامت به خاطر آن است که حوادث و حشنتانک آن ناگهان همه را زیر پوشش خود قرار می دهد.

محتوای مجموعی و اساسی سوره «الغاشیه» را می توان در نکات ذیل جمعبندی نمود:

۱- قیامت و مخصوصاً جزاهای دردناکی برای کفار، و پادشاهای شوق انگیز برای مؤمنان است.

۲- محور دوم بحث در این سوره مبحث توحید است که با اشاره به آفرینش آسمان و خلقت کوهها و زمین و توجه انسانها به این سه موضوع اسرارآمیز بیان شده است.

آفرینش آسمان و زمین و کوهها و حیوانات همه نشان می دهد که این عالم بی حساب نیست و خلقت انسان به این عظمت آن، هدفی داشته است تا انسان در راه قرب الله و در مسیر تکامل حرکت کند. البته راه سعادت در صورتی پیموده می شود که با میل و اراده و اختیار همراه باشد.

۳- نبوت و بیان برخی از وظایف پیامبر صلی الله علیه وسلم .

در اخیر سوره به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته شده، از مخالفتی که این عناصر بی شعور در برابر رسالت به حق شما به عمل می آورند نباید خسته شود، و باید به کار خویش ادامه دهد، ای محمد تو پند دهنده و هشدار دهنده هستی، یاد دهانی و نصیحت کن، حقایق فرموش شده را به یاد شان بیاور و برای شان اذعان بدار که: در پایان کار به سوی الله بر می گردند و پروردگار به حساب شان می رسد.

اسباب نزول آیت ۱۷ سوره غاشیه: محمد بن جریر طبری، مؤرخ و مفسر قرآن و ابن ابی حاتم عالم شهیر جهان اسلام از قتاده روایت کرده اند: چون خدا نعمت های جنت را ستود، گمراهان تعجب کردند.

پس «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» نازل شد.

وجه تسمیه: این سوره بدان سبب «الغاشیه» نامیده شد که با این فرموده خداوند متعال: هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ افْتِتَاح شده است. طوری که متذکر شدیم «الغاشیه» از نامهای روز قیامت است.

ترجمه موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ (۱) «آیا داستان غاشیه (روز قیامت که حوادث و حشتناکش همه را می پوشاند) به تو رسیده است؟!»

«وَجُودَ يَوْمِنِذٍ خَاشِعَةً» (۲) (روی ها در آن روز زیون وترسند)

«عَامِلَةً نَاصِبَةً» (۳) (تلاش کرده و رنج دیده)

«تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً» (۴) (در آتش سوزان در افتند)

«سُقِيَ مِنْ عَيْنِ آنِيَةٍ» (۵) (از آن چشمه بسیار، گرم آبشان دهند)

«لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ صَرِيحٍ» (۶) (طعامی جز خار ندارند)

«لَا يَسْمِنُ وَلَا يَغْنَى مِنْ جُوعٍ» (۷) (که نه چاق می کند و نه دفع گرسنگی)

«وَجُودَ يَوْمِنِذٍ نَاعِمَةً» (۸) (و در آن روز رویهائی تازه باشند)

«لَسَعِبَهَا رَاضِيَةً» (۹) (از کار خویشان خوشنود)

«فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ» (۱۰) (در جنتی برین)

«لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعْيَةٍ» (۱۱) (که در آن سخن لغو نشنوند)

«فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ» (۱۲) (و در آن چشمه سارها روان باشد)
 «فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ» (۱۳) (و تخت‌هایی بلند زده)
 «وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ» (۱۴) (و جام‌های منظم گذاشته شده‌ای)
 «وَنَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ» (۱۵) (و بالشت‌های منظم چیده شده‌ای،)
 «و زُرَابِي مَبْتُوثَةٌ» (۱۶) (و فرش‌هایی فاخر گسترده)
 «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (۱۷) (آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟)
 «و إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (۱۸) (و به آسمان که چگونه بر افراشته شده اند؟)
 «وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ» (۱۹) (و به کوه‌ها که چگونه نصب شده اند؟)
 «وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (۲۰) (و به زمین که چگونه هموار شده؟)
 «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (۲۱) (پس پند ده، که تو پند دهنده‌ای هستی)
 «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (۲۲) (تو بر آنان فرمانروا نیستی)
 «إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ» (۲۳) (مگر آن کس که رویگردان شد و کفر ورزید)
 «فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (۲۴) (پس خدایش به عذاب بزرگ‌تر عذاب می‌کند)
 «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ» (۲۵) (هر آئینه بازگشتشان به سوی ماست)
 «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (۲۶) (سپس حسابشان با ماست)

تفسیر مختصر :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» (۱) «آیا داستان غاشیه (روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می‌پوشاند) به تو رسیده است؟!»

«وَجُودَةٌ يُؤْمِنُ خَاشِعَةً» (۲) (روها در آن روز زبون و ترسنده)

ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، مفسر و فقیه شهیر جهان اسلام در تفسیر خویش می‌نویسد: حضرت امام حسن بصری در روایت فرموده است: زمانی که حضرت فاروق اعظم (رض) به کشور شام مشرف شد، راهبی نصرانی که شخصی کهنسالی بود نزد او آمد و طبق مذهب خویش مشغول عبادت، ریاضیت و زحمت بود، و در اثر زحمت صورتش متغیر شده بود، بدنش خشک و لباسش ژولیده و بد هیأت بود، وقتی که فاروق اعظم او را دید، به گریه افتاد، مردم سبب گریه را جویا شدند، فرمود: من بر حالت این پیر مرد تأسف می‌کنم، که این بیچاره برای هدفی زحمت و جانفشانی کشیده، اما به آن هدف یعنی رضای پروردگار نایل نشده است و آنگاه حضرت فاروق اعظم این آیت را تلاوت کرد: «وَجُودَةٌ يُؤْمِنُ خَاشِعَةً، عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ» (تفسیر قرطبی)

«عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ» (۳) (تلاش کرده و رنج دیده)

«تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً» (۴) (در آتش سوزان در افتند)

«سُنْقَى مِنْ عَيْنِ آيَةٍ» (۵) (از آن چشمه بسیار، گرم آیشان دهند)

«لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ» (۶) (طعامی جز خار ندارند) یعنی طعام دیگری جز بت‌خار دار تلخ به آنان داده نمی‌شود. در دنیا به نعمت‌های الهی ناسپاسی کردند، امروز از همه آن نعمت‌ها محروم‌اند، چون مانند حیوان زندگی

کردند، باید طعام شان بتنه تلخ و خاردار باشد که شتر آن را می خورد و به تعقیب آن گفته شده است که این بتنه خار دار از جمله بتنه های هستند که نه کسی را چاق می کند و نه گرسنگی را رفع می سازد.

« ضریع چیست »؟

در مورد این که « ضریع » چیست مفسرین تفاسیر مختلفی ارائه نموده اند: برخی از مفسرین گفته اند:

ضریع نوعی از بتنه خار است که به زمین می چسبد و گیاهی است سمی (زهری) که هیچ حیوانی به آن نزدیک نمی شود و قریش این نوع خار را زمانی که تازه باشد « شبرق » و وقتی خشک می شد « ضریع » می نامید. خلیل، از علمای لغت می گوید: «ضریع» گیاه سبز بدبوئی است که از بحر بیرون می افتد. ابن عباس، در تعریف « ضریع » می نویسد: درختی است از آتش که اگر در دنیا باشد زمین و هر چه را در آن است می سوزاند.

ولی در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می خوانیم: ضریع چیزی است در آتش دوزخ، شبیه خار، تلخ تر از صبر (نوعی گیاه بسیار تلخ) و متعفن تر از مردار، و سوزنده تر از آتش، خداوند آن را ضریع نام نهاده است. بعضی نیز گفته اند: « ضریع » طعامی است ذلت آفرین که دوزخیان برای رهائی از آن به درگاه خدا تضرع می کنند و این غذا نه آنان را چاق می کند و نه در دفع گرسنگی تأثیر دارد. طوری که می فرماید: «لَا يَسْمُنُ وَلَا يَغْنَى مِنْ جُوعٍ» (۷) (این غذایی نیست که بر اثر آن تقویت جسم و فرونشاندن گرسنگی به عمل آید یعنی غذایی است، که نه چاق می کند و نه دفع گرسنگی)

علماء می گویند: غذایی است گلوگیر که خود نوعی عذاب است. آنها که در این دنیا انواع غذاهای لذیذ و چرب و شیرین را از راه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران فراهم کرده و اجازه ندادند محرومان جز از غذاهای گلوگیر و ناگوار استفاده برند، باید در آنجا غذایی داشته باشند که باعث « عذاب الیم » آنان گردد. در آیات بعدی پروردگار با عظمت ما به شرح حال مؤمنان نیکوکار و توصیف نعمتهای بی نظیر جنتی می پردازند و می فرماید:

«وَجُودٌ يُؤْمِنُ نَاعِمَةً» (۸) در این آیت مبارکه به تعریف و توصیف جنتیان و چهره های آنها پرداخته می فرماید: روی ها در آن روز شاداب، تازه و باطراوت و غرق در سرور است، به عکس روی های دوزخیان که غرق در ذلت و اندوه می باشند.

« ناعمة » از ریشه «نعمه» در اینجا اشاره به چهره هائی است که غرق نعمت شده و شاداب و نورانی است. «لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ» (۹) این چهره ها و روی ها توصیف چنانی دارد که: از سعی و تلاش خود راضی و خشنود است. به عکس دوزخیان که از تلاش و کوشش خود جز خستگی و رنج بهره ای نبردند. و «عامله ناصبة» بودند، جنتیان نتایج تلاش و کوشش خود را به احسن وجه می بینند و کاملاً راضی و خشنودند. تلاشهایی که در پرتو لطف خدا به صورت چند برابر، گاه ده و گاه هفتصد برابر و گاه بیشتر رشد یافته، و گاه با آن جزای بی حساب را دریافت کرده اند: «انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب» (سوره زمر/ ۱۰) سپس به شرح این مطلب پرداخته، می گوید: آنان در جنتی عالی قرار دارند:

«فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ» (۱۰) (در جنتی برین) کلمه: «عَالِيَةٍ» ممکن است اشاره به «علو مکانی» باشد یعنی آنها در طبقات عالی جنتند و یا «علو مقامی»؛ و مفسران هر دو احتمال را در تفاسیر خویش نگاشته اند. ولی تفسیر دوم مناسب تر به نظر می رسد. هر چند جمع میان دو معنی نیز ممکن است.

بعد به توصیف دیگری از این جنت که جنبه روحانی و معنوی دارد پرداخته، می افزاید:

«لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِاَغْيَةٍ» (۱۱) (که در آن سخن لغو نشنوند) و هیچ سخنی که حاکی از نفاق، عداوت و یا جنگ و جدال باشد و یا کینه توزی و حسد، دروغ، تهمت، غیبت و نه حتی لغو و بی فایده. و چه آرام بخش است محیطی که از همه این سخنان پاک باشد و اگر درست ببیندیشیم قسمت عمده ای از ناراحتیهای زندگی دنیا، شنیدن این گونه سخنان است که آرامش روح و جان و نظام اجتماعی را برهم زده و آتش فتنه ها را شعله ور می سازد.

بعد از ذکر این نعمت روحانی و آرامش روحی به بیان قسمتی از نعمتهای مادی جنت پرداخته، می گوید:

«فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ» (۱۲) (و در آن چشمه سارها روان باشد)

«عَيْنٌ» اسم جنس است. یعنی در آن چشمه هائی روان است که هر جا بخواهند آن ها را می برند.

«فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ» (۱۳) (و تختهای بلند زده)

«سُرُرٌ» جمع «سریر» از ریشه «سرور» به معنی تختهای است که در مجالس انس و سرور بر آن می نشینند.

بلند بودن این تختها به خاطر آن است که جنتیان بر تمام مناظر اطراف خود مسلط بوده و از مشاهده آن لذت برند. این احتمال نیز وجود دارد که توصیف این تختها به «مرفوعه» اشاره به اینست که این تخت ها از جمله گرانبها ترین تخت ها به شمار رفته، طوری که در توصیف این تخت ها برخی از مفسران گفته اند که این تخت ها از قطعات طلا ساخته شده و مزین به زبرجد و در و یاقوت است.

و از آن جا که استفاه از آن چشمه های گوارا و شراب های طهور جنتی، نیاز به ظرف هائی دارد، در آیت بعد می افزاید:

«وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ» (۱۴) (و جام های منظم گذاشته شده ای) قدحهای زیبا و جالبی در کنار این چشمه ها گذارده شده.

هر زمان اراده کنند قدح ها از چشمه ها پر می شود و در برابر آنان قرار می گیرد تازه به تازه می نوشند و سیراب می شوند و لذت می برند لذتی که توصیفش برای ساکنان دنیا غیر ممکن است.

«أكواب»: جمع «کوب» به معنی «قدح» یا ظرفی است که دسته دار باشد. توجه به این نکته لازم است که در قرآن تعبیرات مختلفی درباره ظرفهای شراب طهور جنتیان آمده، در اینجا و بعضی از آیات دیگر کلمه «أكواب» به کار رفته، در حالی که در بعضی دیگر از آیات «اباریق» جمع «ابریق» به معنی ظرف دارای دسته و لوله برای ریختن مایعات و یا «كأس» آمده است.

در ادامه به نکته های بیشتری از جزئیات نعمتهای جنتی پرداخته اضافه می کند:

«وَنَمَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ» (۱۵) (و بالشت های منظم چیده شده ای)

نمارق: جمع «نمرقه» به معنی پستی کوچک است که بر آن تکیه می کنند و معمولاً به هنگام استراحت کامل از آنها استفاده می شود و کلمه «مصفوفه» دلالت بر تعدد و نظم آنها دارد، این تعبیر نشان می دهد که آنها جلسات انس دست جمعی تشکیل می دهند و این اجتماع خالی از هر گونه لغو و بیهودگی و تنها بیان الطاف الهی و نعمتهای بی پایان او و نجات از درد و رنجهای دنیا و عذاب آخرت است و چنان لطف و لذتی دارد که چیزی با آن برابری نمی کند. سپس به فرشهای فاخر جنتی اشاره کرده، می فرماید:

«وَرَزَابِي مَبْنُوتَةٌ» (۱۶) (و فرش هائی فاخر گسترده)

زراعی : جمع «زریبیه» به معنی فرشهای عالی خواب دار است که هم نرم و راحت است و هم گرانبها و پرقیمت. خلاصه کلام این که : جنت جایگاهی است بی نظیر از هر جهت ، خالی از هر گونه ناراحتی و جنگ و جدال، با انواع میوه های رنگارنگ و نغمه های دلپذیر و چشمه های آب جاری و شرابهای طهور و خدمت گزارانی شایسته و همسرانی بی مانند و تختهایی مرصع و فرشهایی فاخر و دوستانی باصفا و ظروف و قدحهایی جالب در کنار چشمه ها و خلاصه نعمتهایی که نه به الفاظ محدود این جهان قابل شرح است و نه در عالم خیال قابل درک ؛ همه اینها در انتظار مقدم مؤمنانی است که با اعمال صالح خود اجازه ورود در این کانون نعمت الهی را کسب کرده اند.

در آیات بعدی این سوره، سخن از کلید اصلی وصول آن همه نعمتها که «معرفة الله» است به میان آمده و با ذکر چهار نمونه از مظاهر قدرت خداوند، از آفرینش بدیع خدا و دعوت انسان به مطالعه درباره آنها راه ورود به جنت را نشان می دهد. در ضمن اشاره ای است به قدرت بی پایان خدا که کلید حل مسأله «قیامت» است.

«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (۱۷) (آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده ؟)

«وَأَلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (۱۸) (و به آسمان نگاه نمی کنند که چگونه برافراشته شده ؟ !)

«وَأَلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ» (۱۹) (و به کوهها که چگونه نصب شده اند ؟)

مفسرین در تفاسیر خویش می نویسند که درسه آیت متذکره درس با روحیه برای انسان نگاشته شده که در پیشرفته ترین پوهنتون ها نظیر آن را نمی توان یافت :

یک دهقان و یک چوپان که در صحرای بزرگ مصروف چرانان رمه های خویش است ، زیر پایش زمین است، بالای سرش آسمان، در چهار طرفش کوهها و در برابرش شترها و اگر در هر يك از این مخلوقات نظر اندازد و دقت کند، اسرار بسیاری را کشف می کند. مثلاً شتر از اسب بیشتر می دود، نسبت به خر بیشتر بار می برد. در میان حیوانات بعضی برای سواری، بعضی برای گوشت و بعضی هم برای شیر مورد استفاده قرار می گیرند، ولی شتر همه چیزش قابل استفاده است.

برای نگهدارش اش به مشکل مواجه نمی شود ، زیرا وقتی در صحرا رها شوند ، ضرورت به محافظت آنان نیست ، غذای شان مانند فیل و حیوانات دیگر نیست که به دست آوردنش به مشکل مواجه شود .

در صحرا های عربستان سعودی آب بسیار کم است ، همه جا همیشه میسر نمی شد ، خداوند به قدرت خویش در شکم شتر تانکر پس انداز گذاشته است ، که می تواند با نوشیدن آب برای هفت یا هشت روز ذخیره کند ، و به تدریج حسب نیاز از آن استفاده کند ، برای سوار شدن بر این حیوان بسیار بلند ، نیاز به زینه بود ، ولی حق تعالی پاهای او را دارای سه بند قرار داده است که در هر پا دو زانو گذاشته است ، که آنها را جمع می کندومی نشیند ، که سوار شدن و پائین آمدن بر آن آسان می شود و به قدری زحمتکش هست که از همه حیوانات، بار سنگین تری برمی دارد.

در بیابانهای عرب در تابستان به علت گرما سفر خیلی مشکل است ، خداوند شتر را چنان خلق کرده که تمام شب راه می رود ، قوی ترین، کم خرج ترین، پرفایده ترین و آرام ترین و بردبارترین حیوان است و چنان مطیع طبع است ، که طفل کوچک مهار او را بگیرد هر کجا که می خواهد می تواند آن را ببرد، علاوه بر این ، خصوصیات دیگری هم دارد که به انسان درس قدرت و حکمت بالغه خداوند را می دهد.

پیدایش آسمانها و کوهها و زمین تصادفی نیست، بلکه کاملاً حکیمانه آفریده شده و در جای خود قرار داده شده اند. در هر نعمتی يك جهتی برجستگی دارد (در شتر، نحوه آفرینش؛ در آسمان، بلندی؛ در زمین، گستردگی و در کوهها نحوه نصب شدن).

آسمان‌ها، کرات، مدار کرات، نظم و حساب آنها که هر روز گوشه‌ای از عجایب آنها کشف می‌شود، از عرصه‌های همیشگی مطالعه و کشف و تأمل هستند.

کوه‌ها و ریشه‌های آنها در دل زمین، مثل میخها و حلقه‌های زنجیر زمین را از تزلزل و اضطرابی که در اثر مواد گداخته درون زمین پدید می‌آید، حفظ می‌کنند، برفها را در خود ذخیره نموده و به تدریج روانه می‌کنند، جلو طوفان‌ها را گرفته و سبب تصفیه هوا می‌شوند، مخزن انواع معدن‌ها و مواد صنعتی بوده و علاماتی برای مسافران و بستری برای پرورش بعضی از گیاهان هستند. دیگر کوهها از طریق انواع سنگهای قیمتی و زینتی مثل عقیق یا سنگهای عمرانی همچون مرمر در ساختمان‌ها، سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر برای بشر هستند و خلاصه در این آیات به مسائل جهان‌شناسی و حتی تمام مسائلی همچون دهقانی، صنعت و امور فضائی به نحوی اشاره شده است.

«وَأَلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (۲۰) (و به زمین که چگونه هموار شده؟)

در این آیت به انسان از نشانه‌های قدرت خویش در آسمان و زمین یاد آوری می‌نماید و برایش می‌گوید که زمین را چگونه هموار کرده شده است.

خداوند متعال در آیات متعددی از جمله: (آل عمران، ۱۹؛ بقره، ۱۶۴؛ روم، ۲۲؛ جاثیه، ۳؛ عنکبوت، ۴۴؛ یونس، ۳؛ عنکبوت، ۶۱؛ غافر، ۵۷؛ ذاریات، ۴۷-۴۸؛ انبیاء، ۳۲؛ رعد، ۲) به نشانه‌های قدرت خویش در آسمان و زمین اشاره نموده. بزرگی، گستردگی، وسعت و بیشمار بودن کرات آسمانی و کهکشانها آشکارترین نشانه بر قدرت بی‌انتهای الله است.

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (۲۱) (پس پند ده، که تو پند دهنده ای هستی)

«لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (۲۲) (تو بر آنان فرمانروا نیستی)

- این بدین معنا است که: اجبار و وادار ساختن مردم به پذیرش پندها و موعظه‌ها، از تکالیف و رسالت‌های پیامبر صلی الله علیه و سلم نیست. «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» - «صَطَّرَ» و «سَطَّرَ»، به یک معنا می‌باشد (مفردات) و «مسیطر» به معنای عهده‌دار و مسلط است. (مقایس اللغة)

- مسأله دوم در فهم این آیت چنین است که، پذیرش دین، اجباری نیست. «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»

- سومین نقطه از فهم آیت چنین است که: اهتمام شدید پیامبر صلی الله علیه و سلم، به هدایت مردم «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» با توجه به این که پیامبر صلی الله علیه و سلم، هرگز در صدد سلطه جوئی بر مردم نبود، تأکید آیت شریفه، بر نفی سیطره، بیانگر تلاش وافر و پی‌گیری مستمر آن حضرت صلی الله علیه و سلم در زمینه هدایت مردم است.

- چهارمین نقطه را که می‌توان در تفسیر این گفت اینست که: اثر نبخشیدن پند و اندرزهای دینی برای مردم، تکلیف ابلاغ معارف الهی را ساقط نمی‌کند.

«فَذَكِّرْ ... لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» در آیت شریفه، بیانگر روگردانی برخی مردم، از تذکرات پیامبر صلی الله علیه و سلم است و بیان می‌دارد که در این موارد، نباید معارف الهی را بر مردم تحمیل کرد. آیت قبل با توصیف پیامبر صلی الله علیه و سلم به «تذکر دهنده»، آن حضرت را حتی در این موارد، به تذکر دادن مأمور ساخته است.

«إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ» (۲۳) (مگر آن کس که رویگردان شد و کفر ورزید)

«فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (۲۴) (پس خدایش به عذاب بزرگ‌تر عذاب می‌کند)

«إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ» (۲۵) (هر آینه بازگشتشان به سوی ماست)

«ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (۲۶) (سپس حسابشان با ماست)

ادامه دارد